

نظر اجمالی به آثار قلم اعلیٰ

نازله در اسلامبول و ادرنه*

حیب ریاضتی

حضرت بهاء الله در لوح سراج در باره کثرت آثار نازله در اسلامبول و ادرنه چنین فرموده‌اند: «جمیع اهل بیان بر این شاهد و گواهند و معادل ما نزل فی البیان از این ظهور بدیع نازل و از اهل بیان نفسی نه که اثر الله نزدش موجود نباشد و من دون ذلک آنچه در این ارض موجود کُتاب از تحریرش عاجز مانده‌اند چنانچه اکثری بی سواد مانده.»^۱ و نیز فرموده‌اند: «حال معادل صد هزار بیت در این ارض موجود و هنوز سواد نشده تا چه رسد به جلد...»^۲

سرعت نزول آیات الله به حدی بوده که به فرموده جمال مبارک نظیر آن در هیچ یک از ادوار گذشته دیده نشده: «الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب از عهده برآید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربانی نازل می‌شود» (لوح سراج).^۳ و نیز در لوح نصیر فرموده‌اند: «به شأنی از غمام فضل امریه و سحاب فیض احدیه هاطل که در یک ساعت معادل الف بیت نازل.»^۴

نکته قابل توجه در جمیع این آیات آن است که اگر تا زمان نزول لوح سراج به فرموده مبارک "معادل صد هزار بیت" در ارض سر موجود بوده است و همچنین اگر هر بیتی را سی الی چهل حرف طبق بیان حضرت نقطه اولی "انما الیبت ثلاثین حرفاً و انما الاعراب عشرة"^۵ در نظر گرفته به احصاء الواح نازله پردازیم بی‌گمان تعداد الواح نازله در این دوره بالغ بر چندین هزار می‌گردد. سرعت و کثرت نزول الواح مبارکه و انسجام کلام، فصاحت، قاطعیت و بلاغت بیان از خصوصیات ممیزه این ظهور و بالاخص این دوره است که آن را از ادوار بغداد و عکا متمایز می‌سازد.

مشکل تشخیص محل نزول الواح مبارکه

کثرت الواح نازله در دوره اسلامبول و ادرنه تشخیص الواحی را که متعلق به این دوره است مشکل می‌نماید. تشخیص و تخصیص یک لوح به یکی از ادوار طهران، بغداد، اسلامبول، ادرنه یا عکا مستلزم تحقیق وسیع در باره لوح مورد نظر است. بر اساس توسعه این تحقیقات است که محل نزول، مخاطب و سایر موارد مربوط به الواح مبارکه را می‌توان به طور یقین تعیین کرد. دامنه این پژوهش‌ها ارتباط مستقیم با امکاناتی دارد که در اختیار محقق قرار گرفته وی را به شناسائی مشخصات یک لوح موفق می‌سازد.

کثرت آثار مبارکه، ضیق وقت و کمبود وسائل و وسائط ضبط و ارتباط الواح با یکدیگر عوامل عمده‌ای برای ایجاد تفاوت آراء در مورد محل و زمان نزول و مخاطب الواح مبارکه است. به عبارت دیگر اگر پژوهشگری یک لوح را مربوط به دوره بغداد بداند در حالی که محقق دیگری همان لوح را از آثار نازله در اسلامبول یا ادرنه تلقی نماید، این اختلاف آراء نشان‌دهنده آن است که این کار احتیاج به تحقیقات وسیع‌تری دارد تا انشاءالله به همت محققان بهائی و بر اساس شواهد منطقی و ضوابط و روابط زمانی و مکانی که در متون الواح مبارکه وجود دارد و از همه مهم‌تر به هدایت بیت العدل اعظم الهی تصمیمات نهائی در مورد الواح مورد نظر اتخاذ گردد. نکته قابل توجه آنست که هر محقق اساس کار پژوهشگران بعدی خود را فراهم می‌نماید و لذا اختلاف آراء اگر بر اساس شواهد جامع و کامل باشد همواره باعث نزدیکی به مقصود گشته کثرت آراء به وحدت نظر می‌انجامد.

برای روشن شدن مطلب به دو مثال اکتفا می‌گردد: از جمله الواح نازله از قلم جمال ابهی سورة الهجر است که به اعتقاد گروهی از محققان این لوح مربوط به دوره بغداد است. و حال آنکه جمعی دیگر از دانشمندان این لوح مبارک را از الواح نازله در ادرنه و یا عکا می‌دانند. لحن و مخاطب لوح، وقایع مذکور در متن لوح و ضوابط تاریخی و اجتماعی و موارد دیگر می‌تواند احتمال صحت هر یک از این آراء را فراهم نماید. مثال دیگر سورة وفا است که گروهی از پژوهندگان آن را متعلق به دوره ادرنه و جمعی دیگر آن را از الواح نازله در عکا (بعد از نزول کتاب مستطاب اقدس) محسوب می‌دارند. آنچه باید بنا بر اسلوب صحیح و دقت بیش از حد حاصل شود آن است که آیا فی المثل این بیان مبارک در سورة الهجر: «قل یا قوم هذا جمال القدم قد وقف بین السموات والارض یبکی و یصح و اتم یا ملأ الارض ان لن تنصروه لا تقتلوه باسیاف الکفر...»^۶ اشاره به صدمات وارده بر محبوب عالمیان در زمان اقامت در بغداد است و یا آنکه بر بلایای وارده بر حضرتشان در ادرنه و یا حتی عکا اشاره می‌نماید؟ و یا عبارت: «قل انه یرید... ان یرج عن بین اعدائه و احبائه...»^۷ اشاره به هجرت آن حضرت به کوه‌های سلیمانیه و یا آنکه به خروج از بغداد می‌نماید؟ جواب صحیح به چنین سؤالاتی در مورد محتویات لوح، می‌تواند به تخصیص دادن آن لوح به یکی از دوره‌های بغداد، اسلامبول، ادرنه و یا عکا کمک نماید.

راه‌های تخصیص الواح مبارکه به یکی از ادوار پنجگانه (طهران، بغداد، اسلامبول، ادرنه و عکاء)

از جمله مواهب این کور اعظم آن است که جمال مبارک چراغ‌های راهنما را در هر مورد به اهل عالم عطا فرموده‌اند که شاید اهل انصاف از کوثر معانی که در متون آثار مبارکه جریان دارد محروم نگردند و به حقیقت «و سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم»^۸ واصل شوند. این مشاعل باقیه هدایت به صورت‌های گوناگون خود را بر عالم خلق متجلی می‌سازند تا شاید نفسی از هدف عالی زندگانی خود محروم نگشته حقیقت و مظهر «ظهور جواهر معانی از معدن انسانی»^۹ گردد.

یکی از مهم‌ترین موارد احتیاج به این چراغ‌های هدایت در مورد تشخیص و تخصیص الواح مبارکه به دوره‌های مختلف می‌باشد چه که بدون بهره‌گیری از چنین مصادر ربّانی تصمیم قطعی در مورد محلّ و یا سال نزول بعضی از الواح مبارکه بسیار دشوار و در برخی از موارد غیر ممکن خواهد بود. چون بیان همه این کلیدهای الهی در این مختصر نمی‌گنجد، در این مقام به سه فقره مثال که به چنین تشخیص کمک می‌کند اکتفا می‌شود:

الف- مهم‌ترین راهنما بیانات حضرت ولیّ امرالله در مورد محلّ و یا سال نزول الواح مبارکه صادره از قلم جمال قدم می‌باشد. رهنمودهای حضرت ولیّ امرالله را می‌توان «شاهراه حقیقت» تلقی کرد. بیانات ایشان در توابع مختلفه و عمدتاً در کتاب قرن بدیع را می‌توان به عنوان میزان شناسائی الواح مبارکه در نظر گرفت که بر اساس آنها تحقیقات وسیع‌تری به عمل آید. مثلاً حضرت ولیّ امرالله در کتاب قرن بدیع ذیل وقایع مربوطه به ادرنه و کثرت آثار نازله از قلم اعلیّ می‌فرماید: «جمال اقدس ابهی در این مقام بنفسه المهیمنه علی الابداع شهادت داده، قوله عزّ کبریائه: "به شأنی از غمام فضل امریه و سحاب فیض احدیه هاطل که در یک ساعت معادل الف بیت نازل..."»^۱ در این بیان مبارک عبارت «به شأنی از غمام فضل امریه...» قسمتی از بیان جمال مبارک در لوح نصیر است. همچنین عبارت «جمال اقدس ابهی در این مقام» بر کثرت آثار نازله در ادرنه تأکید دارد. حال بر اساس متن لوح نصیر و تبیین حضرت ولیّ امرالله می‌توان چنین نتیجه گرفت که لوح نصیر در ادرنه نازل شده است.

ب- مفتاح دیگری که در تشخیص الواح مفید است توضیحات و تبیینات حضرت بهاءالله در متن لوح می‌باشد. در بسیاری از موارد از متن لوح می‌توان به نام مخاطب، محلّ و سال نزول پی برد. علاوه بر آن محتویات لوح می‌تواند به درک و فهم عبارات نازله در لوح دیگری نیز کمک کند چه که جمیع الواح مبارکه به یک عبارت به هم مرتبطند و اگرچه به شؤونات مختلفی نازل شده‌اند و لکن دارای وحدت در معانی بوده با هم هماهنگی دارند. حضرت بهاءالله در لوح نصیر می‌فرماید: «و اناّ لمّا وجدناه فی تلك الحالة سترنا فی نفسنا و خرجنا عن بین هؤلاء و جلسنا فی البيت الوحده متکلاً»

على الله المهيمن العزيز القديم»^{۱۱} این بیان مبارک اشاره‌ای به صدمات وارده بر هیکل اطهر توسط یحیی ازل و اراده ایشان مبنی بر انتقال به بیت عزت آقا دارد. حال با توجه به این بیان مبارک که از متن لوح نصیر گرفته شده می‌توان چنین استنباط کرد که لوح نصیر یقیناً از الواح نازله در دوره بغداد نبوده و نزول آن در ادرنه بوده است. نکته دیگری که از متن لوح مزبور مستفاد می‌شود اینست که به احتمال قوی نزول آن قبل از فصل اکبر در ادرنه بوده است چه که در متن لوح به انتقال به بیت عزت آقا اشاره شده که مقدمه فصل رهیب اکبر بوده است.

در پایان این قسمت باید یادآور شویم توجه بر لحن نزولی و اصطلاحات وارد در هر لوح به پژوهش ما کمک می‌کند. مثلاً الواحی که با لحن شدید و اشارات متعدد به اهل بیان و طغیان میرزا یحیی و صدمات وارده بر جمال مبارک نازل شده به احتمال قوی به دوره‌های اسلامبول و ادرنه تعلق دارند.

ج- از وسائط مهمه دیگری که می‌توان برای تعیین مشخصات الواح مبارکه از آن مدد جست ارتباط الواح مبارکه با یکدیگر است. این اصل به درک وحدت مفاهیم موجود در الواح و تقدم و تأخر زمانی و مکانی یک لوح نسبت به لوح دیگر کمک می‌کند. جمال مبارک در لوح هودج اهل بهاء را به ارتباط دادن الواح مبارکه با یکدیگر امر می‌فرماید: «و من یرید ان یطلع باسرار الامر من لدن حکیم علیم فلینظر فی اللوحین لیعرف اسرار الله»^{۱۲} که این بیان مبارک حاکی از ارتباط بین دو لوح سامسون (هودج) و ملاح القدس است. ارتباط دادن مضامین الواح مبارکه با یکدیگر هنگامی که با درک شؤونات و مقامات مختلفه آیات مبارکه توأم گردد ما را به حقائق و وقایع زمانی و مکانی موجود در الواح مبارکه هدایت می‌کند زیرا در آیات نازله از مصدر امر اختلافی وجود ندارد. اگر اختلافی به نظر برسد در اثر تفاوت در درک و فهم افراد مختلف است نه حقیقت موجود در آیات الهی، قوله الاحلی: «قل یا قوم لا تشهدوا الاختلاف فیما نزل من لدنا لان الآيات كلها نزلت من شدید القوى عن جبروت البقاء و یختلف باختلاف المقامات ان انتم من اهل الفطن» (سوره اصحاب)^{۱۳}.

طرق تسمیه الواح مبارکه نازله در ادرنه

الواح نازله از قلم جمال مبارک به صورت‌های مختلف نام‌گذاری شده‌اند که در این جا به اهم آنها اشاره می‌شود:

الف- الواحی که توسط حضرت بهاء الله به اسامی خاصی نامیده شده‌اند.

قسمت اول آن دسته الواحی که اسامی آنها در رأس لوح مشخص گردیده مثلاً:

۱- سوره حج (شیراز): «هذه سورة الحج قد نزلناها بالفضل...»

۲- سوره ذبح: «هذه سورة الذبح قد نزل من سماء الامر...»

۳- لوح تقي: «هذا لوح التقي يذكر فيه عبد الله الذي سمى بالنبييل قبل تقي...»

۴- سورة عباد: «هذه سورة العباد قد نزلت بالحق...»

۵- سورة احزان: «هذه سورة الاحزان قد نزلت من لدى الرحمن...»

۶- سورة دم: «هذه سورة الدم...»

قسمت دوم الواحی که اگرچه اسامی آنها در متن لوح ذکر نشده ولی در الواح دیگر نام برده شده‌اند. به عبارت دیگر جمال مبارک در لوحی به اهمیّت لوح دیگر اشاره فرموده و اسم آن را ذکر کرده‌اند. به عنوان نمونه گرچه اسم کتاب بدیع در متن لوح نیامده ولی حضرت بهاء‌الله در الواح دیگر به اسم کتاب بدیع اشاره نموده‌اند. از جمله در یکی از الواح به امضای خادم الله می‌فرمایند: «کتاب بدیع که از لسان یکی از احناء از مصدر وحی نازل شده آن را بسیار مطالعه نمائید.»^{۱۴} از جمله در الواح دیگر در این گروه می‌توان به لوح سلطان اشاره کرد که در برخی از الواح به لوح صیحه نیز موسوم شده است. از جمله در لوحی می‌فرمایند: «ان یا قلم ان اذکر اذ ارسلنا لوحنا الّذی سمّی بالصّیحة الی رئیس البریّة.»^{۱۵}

ب- الواحی که توسط حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله به عناوین و اسامی مخصوص نامیده شده‌اند. مثلاً حضرت ولیّ امرالله در کتاب قرن بدیع در ذیل الواح و آثار مهمّه نازله در ادرنه چنین فرموده‌اند:

«از جمله آثار منیعۀ بدیعۀ منزله از سماء قدس احدیّه سورة امر و لوح نقطه و لوح احمد و سورة اصحاب و لوح سیاح و سورة دم و سورة حجّ و لوح الرّوح و لوح الرضوان و لوح التّقی... سورة ملوک... کتاب بدیع... مناجات‌های صیام... لوح اوّل ناپلئون سوّم... لوح سلطان ایران... سورة رئیس... این الواح و اسفار مقدّسه نه تنها از آثار مهمیّنه بدیعۀ منزله در ارض سرّ محسوب بلکه در بین کلیّۀ کتب و اسفار صادره از قلم شارع اعظم این امر مقدّس مقام رفیع و ارجمندی را حائز اند...»^{۱۶}

نکته قابل توجه و لازم به تذکر آنست که اکثر این اسامی، ولی نه همه آنها، منطبق است با عناوینی که جمال اقدس ابهی برای الواح مذکور ذکر فرموده‌اند.

ج- الواحی که بر اساس اسم مخاطب نامیده شده‌اند و اسم مخاطب در خود لوح آمده است: الواح ذیل را از جمله می‌توان از این گروه دانست:

۱- لوح سلمان: «ای سلمان، از شهر جان به نسائم قدس رحمن بر اهل اکوان و امکان مرور نما...»

۲- لوح احمد فارسی: «ای احمد، از ابحر متموّجه ملتطمه مستوره خود را منع مکن...»

۳- لوح سراج که در جواب سؤالات علیّ محمد سراج نازل شده: «ای علیّ، بشنو نداء الله را...»

۴- لوح نصیر: «ای نصیر، ای عبد من...»

۵- لوح حبیب (سورة اصحاب): «ان یا حبیب خذ ذیل السّتر بانامل القدره...»

د- الواحی که بر اساس مطالب مهمه مندرجه در آن معروف شده‌اند: الواح لیلۃ القدس، الواح مباحله، الواح نقطه و الواح صیام را می‌توان از این گروه دانست.

اگر لوحی توسط مظهر امر یا مرکز میثاق یا حضرت ولی امرالله به اسم مخصوص نامیده نشده، بعداً بر اساس مطالب مندرجه در آن به اسامی مختلف شهرت یافته‌اند که از جمله باید به لوح اصل کل الخیر اشاره کرد که به لوح رئوس نیز معروف است.

ه- الواحی که عنوان مشخصی دارند ولی نسخه‌ای از آنها در دست نیست.

این گروه الواح شامل آثاری هستند که از قلم جمال مبارک صادر شده‌اند و اطلاعاتی در باره آنها در دست است ولی نسخه آنها موجود نیست. از مهم‌ترین این گروه می‌توان به لوح عبدالعزیز و وکلا اشاره کرد که بنا به فرموده حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع در اسلامبول نازل شده است. مضمون بیان مبارک چنین است:

«پس از ابلاغ حکم تبعید در همان یوم از قلم اعلیٰ لوحی متضمن بیانات خطیره قهریه و انذارات شدیدة نزول یافت... به طوری که نبیل می‌نویسد لوح مبارک بالنسبه مفصل بوده و با خطباتی به شخص سلطان آغاز می‌گردد. در آن لوح جمال اقدس ابهی اعمال وزراء سلطان را مورد انتقاد و ملامت شدید قرار داده...»^{۱۷}

و- مجموعه الواحی که از لحاظ موضوع تحت عناوین خاصی قرار گرفته‌اند.

در بین آثار نازله از قلم اعلیٰ از این گروه می‌توان به الواح مباحله اشاره کرد. البته لوح مخصوصی به نام "مباحله" به دست نیامده ولی هر لوحی که در آن ذکر واقعه مباحله شده لوح مباحله نامیده شد. یک نمونه آن را می‌توان در ماده آسمانی، جلد چهارم، صفحه ۲۷۷ ملاحظه کرد. یا اینکه چون بیش از ۲۰ لوح تا به حال به دست آمده که در آن لفظ نقطه و کیفیات روحانی متعلق به آن به صور مختلفه به اهل عالم عرضه گردیده است، از این جهت مجموعه این الواح را الواح نقطه می‌نامند. یک نکته مهم در این مورد آنست که اگرچه یک لوح خاصی تحت عنوان لوح نقطه در ادرنه نازل گردیده است ولیکن تا به حال دقیقاً متن این لوح ممیز و مشخص نگردیده است.^{۱۸} نکته دقیق و قابل توجه آن است که تسمیه این الواح به الواح مباحله و یا نقطه بر اساس متن خود لوح صورت گرفته است و مبنا و اساس دیگری ندارد و از آن جایی که «حرکت قلم اعلیٰ در میادین الواح به اطوار مختلفه مشاهده می‌شود»^{۱۹} هر لوحی صاحب شؤونات لا تحصی بوده و خواهد بود لذا یک لوح می‌تواند بر حسب مواضع موجود در آن صاحب عناوین متعددی باشد.

ز- الواحی که صاحب عناوین مختلفه می‌باشند.

به بعضی از الواح نازله از قلم جمال اقدس ابهی تحت عناوین متفاوت اشاره گردیده است. به عنوان نمونه می‌توان الواح ذیل را نام برد.

۱- لوح سیاح: سورة الوداد.

۲- سورة رئیس: لوح رئیس.

۳- لوح سلطان: لوح صیحه.

۴- سورة اصحاب: لوح حبیب.

۵- الواح پاریس: لوح اوّل و دوّم خطاب به ناپلئون سوّم.

نکته قابل توجه در بعضی از الواح فوق الذّکر تسمیه یک لوح به اسامی مختلفه توسط جمال اقدس ابهی، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله است. به عنوان مثال حضرت ولیّ امرالله به الواح نازله خطاب به ناپلئون سوّم تحت عنوان "لوح اوّل ناپلئون سوّم" و "لوح دوّم ناپلئون سوّم" اشاره می‌فرمایند و حال آنکه جمال اقدس ابهی همین الواح را تحت عنوان "الواح پاریس" ذکر فرموده‌اند. نکته دیگر آنکه عناوین الواح بر اثر ضوابط مختلفه‌ای انتخاب گردیده‌اند. به عنوان مثال از آن جایی که در متن لوحی خطاب «ان یا حبیب خذ ذیل السّتر» ملاحظه شده این لوح تحت عنوان لوح حبیب که لقب جناب مُئیب است معروف گردیده است. حال آنکه همین لوح مبارک در آثار حضرت ولیّ امرالله بر اساس محتویاتش که خطاب به یاران است تحت عنوان "سورة اصحاب" معرفی شده است.

نکاتی راجع به فهرست الواح نازله در ادرنه^{۲۰}

در بین آثار نازله از قلم اعلیٰ در ادرنه الواح مهمی موجود است که گرچه عناوین آنها طبق بیانات حضرت ولیّ امرالله در کتاب قرن بدیع مشخص گردیده ولی هنوز منتشر نشده‌اند و یا انتشار آنها محدود بوده است. از جمله اهمّ این الواح باید به سورة امر و سورة وداد اشاره کرد که بنا به فرموده حضرت ولیّ امرالله «قبل از انتقال به بیت عزّت آقا»^{۲۱} نازل شده‌اند: سورة الامر که غیر از لوح امر است و در مجموعه الواح خطی محفوظه آثار امری ایران ضبط شده در مجموعه شماره ۳۶، صفحه ۵۲ وجود دارد. سورة وداد یا لوح سیاح که خطاب به حاج علی سیاح نازل شده در مجموعه مذکور شماره ۳۶ موجود است. نسخه دیگری از این لوح در رساله المجموع الاوّل من رسائل الشیخ البابی بهاءالله (سن پترزبورگ، دارالعلوم، ۱۹۰۸ م)، صفحات ۷۵ تا ۸۰ درج گردیده است. در این جزوه مختصر از ذکر و معرفی این الواح خودداری شده و هدف آن بوده که طالبان حقیقت را در ابتدای امر با برخی از آثار مبارکه آشنا نماید تا پس از آن خود به دنبال دیگر آثار مبارکه بروند.

الواحی با اسامی مشخص نیز هستند که احتمالاً در ادرنه نازل شده‌اند ولی تعیین محلّ نزول آنها به یقین محتاج تحقیق بیشتری است. این گروه الواح زمان و مکان نزول آنها دقیقاً معلوم نیست و احتمالاً در دوره دوّم ادرنه نازل شده‌اند ولی برخی از محققین بهائی آنها را متعلّق به دوره بغداد یا عکا دانسته‌اند لذا از ذکر آنها در ذیل آثار نازله در ادرنه خودداری شده است، که البته اهل تحقیق

باید با شواهد و قرائن مانند لحن الواح و دیگر قرائن، تاریخ و محلّ دقیق نزول آنها را تعیین نمایند. از جمله این الواح را باید ذکر کرد: ۱- سورة القلم، ۲- سورة البیان، ۳- سورة القمیس، ۴- لوح اصل کلّ الخیر، ۵- لوح البهاء، ۶- سورة الهجر.

همچنین الواحی نیز موجودند که در ارض سرّ نازل شده‌اند و دارای اسامی مخصوص می‌باشند ولی متون آنها مشخص نگردیده است. از جمله مهم‌ترین این گونه الواح می‌توان به لوح نقطه اشاره کرد که به فرموده حضرت ولیّ امرالله در کتاب قرن بدیع از الواح نازله قبل از فصل اکبر است. تاکنون بیش از بیست لوح به نام "لوح نقطه" به دست آمده است و به نظر برخی از اهل تحقیق لوح مورد اشاره حضرت ولیّ امرالله لوحی است که در مجموعه چاپ مصر (ص ۲۷۲) طبع شده ولی تکلیف بقیه الواح به اسم "نقطه" معلوم نشده و البته در آینده ایام بیت العدل اعظم نظر قطعی خود را اعلام خواهند فرمود. به این علت از ذکر این لوح در صورت الواح نازله در ادرنه خودداری شد. همچنین باید توجه داشت که برخی از الواح نازله در ادرنه و عکاء به یک اسم و عنوان مشهورند. برای مثال می‌توان به الواح لیلۃ القدس و الواح صیام اشاره کرد. در صورت الواح نازله در ادرنه فقط به ذکر اسم لوحی که در آن شهر نازل شده اکتفا شده است.

مطالب مهمه در الواح نازله در اسلامبول و ادرنه

اگرچه ذکر مطالب موجود در هر یک از الواح جمال مبارک در حوصله این مختصر نیست ولی برای اینکه ذکر اهم آنها کمکی برای اهل تحقیق باشد ذیلاً به ذکر مطالبی که در الواح متعددی مشترک هستند می‌پردازد:

مقام حضرت بهاءالله

یکی از نکات مختصّ به الواح نازله در ادرنه ذکر مقام جمال اقدس ابهی در عوالم عبودیت و الوهیت است. حضرت بهاءالله در این گروه الواح فضل خود را بر اهل عالم ارزانی داشته به اثبات مقام خود پرداخته‌اند تا نفوس از بحر فیض عرفان او محروم نشوند. اظهار شریعت مستقلّه، اثبات حقانیت مقام موعود بیان حضرت من یظهره الله در جمیع این گروه آثار مشاهده می‌شود که از جمله باید به الواح ذیل اشاره کرد:

لوح سراج، کتاب بدیع، سورة امر، لوح سیاح، لوح اصحاب، سورة الاحزان، سورة دم، لوح ابراهیم خلیل (لوح ابنائی)، لوح الروح و لوح رضوان الاقرار.

نزول احکام بدیع و انفصال از شرایع قبل

در زمان هر مظهر امری ایام مجهولیت، انفصال و استقلال در نفس آیات الله وجود داشته و دارد و باید ردّ اوهام و رسوم ادیان گذشته به تدریج انجام پذیرد و مقصود حقیقی ظهور که تربیت نفوس و بروز جواهر معانی از معدن عالم انسانی است میسر گردد و خلق ضعیف از ظهور جدید مضطرب نگردند و از عرفان مظهر امر محروم نشوند.

اصل "ظهور تدریجی حقایق الهی" از جمله اصول مهمی است که در زمان هر مظهر حقی ظاهر می شود. تقسیم شدن دوران حضرت اعلیٰ به دو دوره قائمیت و مظهریت نمودار این اصل است. و علت این انقسام به فرموده حضرتش در دلائل سبعة آن است که خلق مضطرب نشوند، قوله الاحلی:

«نظر کن در فضل حضرت منتظر که چقدر رحمت خود را در حق مسلمین واسع فرموده تا آنکه آنها را نجات دهد. مقامی که اول خلق است و مظهر ظهور انبی انا الله چگونه خود را به اسم بایت قائم آل محمد ص ظاهر فرموده و به احکام قرآن در کتاب اول [تفسیر سورة یوسف] حکم فرمود تا آنکه مردم مضطرب نشوند از کتاب جدید و امر جدید...»^{۲۲}

جمال اقدس ابهی با نزول احکام بدیعه در مورد صیام و اعمال حجّ در ارض سرّ فی الحقیقه اهل بیان را به طور اخصّ و اهل عالم را به طور اعمّ به ظهور احکام بدیعه بشارت داده و برای انفصال از شریعت قبل آماده می نمایند. الواح صیام نازله در ادرنه و الواح حجّ شیراز و بغداد بهترین نمونه اجرای اصل انفصال از شرایع قبل بوده، راه را برای نزول احکام جدید در کتاب اقدس هموار می سازد.

اشارات متعدّد به بلائی وارد بر حضرت بهاء الله

دلایل هجرت جمال اقدس ابهی از بغداد، مصائب وارده بر آن حضرت توسط اهل بیان و اشارات متعدّد به اعمال سوء یحیی و پیروانش از مواضع عمده وارده در الواح نازله در ادرنه است. لوحی را نمی توان یافت که در آن حضرت بهاء الله به ستم وارده بر نفس مبارکشان اشاره نمایند و این امر دلالت بر ایام شداد دارد. لوح بلبل الفراق، لوح الرّوح، لوح سراج، سورة الاحزان و کتاب بدیع از جمله آثار مهمّه دوره ادرنه می باشند که مسائل فوق الذّکر به وضوح در آنها بیان شده است.

اشاره به امتحانات و افتتانات الهیه و غلبه امر الله

اهمّیت انقطاع در مواقع نزول بلایا، لزوم انقطاع از ما سوی الله، اشاره به لزوم امتحانات برای تطهیر نفوس، حقیقت غلبه حروف اثبات بر حروف نفی به خاطر عهد و میثاق محکمی که در این ظهور اعظم وجود دارد از مواضع مهمّ دیگر الواح نازله در این دوره می باشد. الواح سلمان، سراج، سورة الامر، لوح هودج و سورة العباد نمونه هائی از الواح کثیری هستند که مسائل فوق الذّکر در آنها

به تفصیل آمده است.

اهمیت تبلیغ امرالله و آماده کردن نفوس برای قبول ظهور بدیع

اصل مهم تبلیغ به عنوان وظیفه عالیّه هر فرد مؤمن به جمال قدم در الواح مبارکه نازله در ادرنه مورد تأکید قرار گرفته است. اهمیت خلوص نیت، پاکی قلب و انقطاع از هواهای نفسانی، داشتن بصیرت، معنی حقیقی نصرت حق، معنی حکمت، شرایط روحانی فرد مبلغ، طریقه تبلیغ و هدف اساسی تبلیغ از مهم ترین مطالبی است که در این گروه الواح آمده است. به عنوان مثال می توان به لوح سلطان ایران، لوح سلمان، سورة اصحاب، الواح احمد فارسی و عربی، مثنوی مبارک، سورة الوداد و سورة العباد اشاره کرد.

اهمیت مقام حضرت عبدالبهاء و امر به تبعیت ایشان

شاید بتوان سورة غصن و لوح ابناء (لوح خلیل یا لوح فطرت) را از مهم ترین آثار نازله در ادرنه دانست. در این الواح مبارکه معنی و مفهوم انتساب به مظهر امر بیان شده و حقیقت ارتباط روحانی با مظهر امر و سبقت آن بر شؤونات جسمانیّه مورد تأکید قرار گرفته است. مسأله عهد و میثاق به عنوان حفظ و حرز احبّاء الله در لوح غصن و لوح خلیل بیان شده است. جمال قدم پیروان خود را به پیروی از حضرت سرّ الله الاعظم و درک مقام ایشان امر می فرماید. این الواح اساسی محکم برای تفهیم صحیح عهد و میثاق در این امر مبارک است.

خطابات مهمینه به سلاطین، امرا و علمای زمان در شرق و غرب عالم

شرایط علماء، رعایت اصل انصاف و تحرّی حقیقت قبل از قضاوت، مقام حقیقی سلطان، وظائف و شرایط سلطان عادل و نتایج انکار ظهور بدیع از جمله مطالب مندرجه در این الواح می باشند: سورة الملوک، لوح اول ناپلئون سوم، لوح سلطان ایران و لوح رئیس عربی.

شرح بر مسائل کلامی و عرفانی و توضیح و تبیین عقاید عرفانی اسلامی

مسائل مربوط به وحدت وجود، حقیقت توحید و مقامات مختلفه آن، شرح و توضیح عرفان حقیقی و اجتناب از قیل و قال و تمسّک به حالات روحانی در برخی از الواح نازله در ادرنه آمده است. جمال مبارک علاوه بر جمیع این نصائح روحانی به عقاید بعضی از عرفای مسلمان از جمله ابن عربی، ملا صدرا و مولوی اشاراتی فرموده اند. لوح سلمان از مهم ترین این دسته الواح به شمار می رود.

یادداشت‌ها

* این مقاله در دوره نوزدهم مجمع عرفان در مدرسه بهائی لوهلن (میشیگان - آمریکا) در اکتبر ۱۹۹۸ عرضه شده است.

- ۱- عبدالحمید اشراق خاوری، مائده آسمانی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب)، ج ۷، صص ۹۰-۹۱.
- ۲- ایضاً، ص ۹۱.
- ۳- ایضاً، ص ۹۳.
- ۴- مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاءالله (قاهره: محیی‌الدین صبری کردی، ۱۳۳۸ هـ ق، ۱۹۲۰ م)، ص ۱۷۵.
- ۵- بیان فارسی، باب اول از واحد ششم، ص ۱۸۴.
- ۶- آثار قلم اعلیٰ، نشر دوم (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۳ ب)، ج ۴، ص ۷۲.
- ۷- ایضاً، صص ۷۲-۷۳.
- ۸- سوره فضلت، آیه ۵۳.
- ۹- لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی (۱۳۱ ب)، ص ۱۰.
- ۱۰- کتاب قرن بدیع (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م)، ص ۳۴۶.
- ۱۱- مجموعه الواح مبارکه، ص ۲۰۰.
- ۱۲- لئالی الحکمة (ریودوزانیرو: دار النشر البهائیه، ۱۴۳ ب، ۱۹۸۶ م)، ج ۱، ص ۱۳.
- ۱۳- آثار قلم اعلیٰ، ج ۴، ص ۱۶.
- ۱۴- اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۴ ب)، ج ۲، ص ۳۲.
- ۱۵- مائده آسمانی، ج ۴، ص ۱۵۰.
- ۱۶- کتاب قرن بدیع، صص ۳۴۷-۳۴۸.
- ۱۷- ایضاً، صص ۳۲۴-۳۲۵.
- ۱۸- بعضی از الواح متعلق به دوره عکاء نیز بر اساس موضوع آنها نام‌گذاری شده‌اند. برای مثال می‌توان از الواح رقصاء نام برد. در این مورد نیز لوحی به عنوان لوح رقصاء تا به حال به دست نیامده است ولی هر لوحی که در آن به اعمال شنیعه امام جمعه اصفهان و ظلم‌های او اشاره شده است به لوح رقصاء نیز معروف گردیده است. به عنوان ذکر مثال می‌توان به قسمتی از لوح برهان اشاره نمود.
- ۱۹- اقتدارات (بیمبئی: [طبع از روی نسخه به خط مشکین قلم مورخ ۱۳۱۰ هـ ق])، ص ۲۲۶.
- ۲۰- ن ک به صص ۲۱۳-۲۱۴.
- ۲۱- ایضاً، ص ۳۴۷.
- ۲۲- دلائل سبعة (قسمت فارسی) (بی‌ناشر، بی‌تاریخ)، ص ۲۹.